



## درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲

مصادف با: ۱۰ رجب ۱۴۳۴

جلسه: ۱۱۵

موضوع کلی: وضع

موضوع جزئی: امارات الوضع و ما فی حکمه - صحت حمل یا عدم صحت سلب

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### ۳- صحت حمل یا عدم صحت سلب:

گفته‌اند صحت حمل معنی بر لفظ یا بالعکس، دلیل بر حقیقی بودن و وضع آن لفظ برای آن معناست، یا اینکه عدم صحت سلب معنی از لفظ اماره حقیقی بودن آن معناست. به قرینه تقابل، عدم صحت حمل یا صحت سلب علامت و اماره مجاز است.

### توضیح عنوان:

در ابتدا لازم است خود این عنوان شرح داده شود که منظور از اینکه گفته می‌شود صحت حمل اماره حقیقی بودن معناست چیست؟ چون ممکن است گمان شود دانستن و شناخت معنای حقیقی و وضع لفظ برای یک معنی چه ارتباطی به قضیه و موضوع و محمول دارد و چه پیوندی بین اینهاست و چگونه ما با قضیه می‌خواهیم بینیم یک معنی، معنای حقیقی است یا نه؟ لذا این عنوان باید توضیح داده شود که منظور از صحت حمل چیست؟

منظور از صحت حمل این است که معنایی که وضع لفظ برای آن مشکوک است یا حقیقی بودن آن معنی مورد تردید است بر خود لفظ بما له من المعنی الارتکازی حمل شود یا به عکس لفظی که وضع آن برای معنی مشکوک است بر معنی حمل شود؛ مثلاً قضیه‌ای تشکیل شود و در آن لفظ به عنوان محمول و معنای مورد نظر به عنوان موضوع قرار داده شود، آن گاه اگر حمل صحیح بود از حقیقی بودن معنی کشف کند مثل اینکه ما در مورد لفظ «صعید» می‌خواهیم بدانیم آیا معنای حقیقی این لفظ تراب خالص است یا مطلق وجه الارض؟ یک قضیه حملیه‌ای تشکیل می‌دهیم به این صورت که «التراب الخالص صعید» یعنی معنای تراب خالص را که شک داریم معنای حقیقی است یا نه موضوع قرار می‌دهیم و لفظ «صعید» را محمول قرار می‌دهیم و یک قضیه حملیه به حمل اولی تشکیل می‌دهیم، اگر این حمل صحیح باشد معلوم می‌شود تراب خالص معنای حقیقی «صعید» است یا به عکس لفظ را موضوع قرار می‌دهیم و معنای مشکوک را به عنوان محمول می‌آوریم و می‌گوییم «الصعید هو التراب الخالص»، اگر این حمل صحیح باشد ما را به معنای حقیقی منتقل می‌کند، یا ممکن است یک قضیه به حمل شایع تشکیل دهیم، در قضیه به حمل شایع ملاک، اتحاد در وجود و مصداق است، نتیجه قضیه به حمل شایع صناعی این است که موضوع یکی از افراد و مصادیق ماهیت محمول است نه اینکه خود محمول و متحد با محمول باشد،

پس اگر یک قضیه به حمل شایع صناعی هم تشکیل دهیم و این حمل صحیح باشد به نوعی از حقیقی بودن معنی کشف می‌کند اما کشف از اینکه این موضوع فردی از افراد طبیعت محمول است، لذا کشف می‌کند معنای حقیقی است.

پس به طور کلی صحت قضیه حملیه به حمل اولی علامت و اماره معنای حقیقی است، صحت قضیه حملیه به حمل شایع هم اماره بر معنای حقیقی است لکن با این تفاوت که اماره بر فردیت موضوع برای محمول که معنای حقیقی است می‌باشد نه اینکه متحد با خود محمول باشد.

#### وجه اماریت صحت حمل:

عمده این است که ببینیم چرا حمل اولی ذاتی و حمل شایع صناعی کشف از معنای حقیقی و وضع لفظ برای معنی می‌کنند؟ و وجه اماریت صحت حمل بر معنای حقیقی چیست؟ در مورد وجه اماریت صحت حمل بر معنای حقیقی مطالبی گفته شده که در بین وجوهی که گفته شد شاید بهترین وجه مطلبی است که محقق عراقی (ره) فرموده است، ایشان از کسانی است که صحت حمل را کاشف از حقیقت می‌داند، یعنی می‌گوید صحت حمل اولی ذاتی علامت حقیقت است، صحت حمل شایع صناعی هم علامت حقیقت است، ایشان در وجه اماریت صحت حمل مطلبی را فرموده که ما خلاصه آن را عرض می‌کنیم:

به نظر محقق عراقی (ره) ملاک حمل اولی ذاتی اتحاد بین موضوع و محمول مفهوماً است و چون این چنین است صحت حمل اولی ذاتی کشف می‌کند معنایی که نزد مستعلم تفصیلاً معلوم است و معنایی که ارتکازاً نزد او معلوم است حقیقتاً و بالذات متحدند، وقتی ما یک قضیه تشکیل می‌دهیم و مثلاً لفظ را موضوع و معنی را محمول قرار می‌دهیم بالاخره لفظی که موضوع قرار گرفته یک معنایی دارد، مثلاً وقتی می‌گوییم «الصعيد هو التراب الخالص»، لفظ «صعيد» موضوع قرار گرفته و معنای این لفظ معنای اجمالی ارتکازی عند المستعلم است که تراب خالص باشد و ما شک داریم تراب خالص معنای حقیقی «صعيد» است یا نه؟ چون این یک قضیه حملیه به حمل اولی است و حمل تراب خالص بر «صعيد» صحیح است این صحت حمل کشف می‌کند معنای «الصعيد» با معنای «التراب الخالص» حقیقتاً و بالذات متحدند، چون ملاک حمل اولی ذاتی اتحاد بین لفظ «صعيد» به معنای ارتکازی اش و «التراب الخالص» به معنای تفصیلی اش است یعنی آن معنایی که مستعلم ارتکازاً علم به آن دارد با این معنایی که تفصیلاً می‌داند متحد است و حقیقتاً و بالذات یکی هستند و عینیت دارند و معنای آن این است که لفظ «صعيد» برای تراب خالص وضع شده است. به عبارت دیگر تراب خالص معنای حقیقی لفظ «صعيد» است.

در حمل شایع صناعی هم مطلب از همین قرار است یعنی صحت حمل کشف از اتحاد بین موضوع و محمول می‌کند لکن به نحو اتحاد طبیعی و فرد و اتحاد در اینجا به نحو اتحاد در حقیقت و ماهیت و مفهوم نیست بلکه اتحاد بین موضوع و محمول در حمل شایع صناعی، اتحاد طبیعی و فرد است و به واسطه این اتحاد معلوم می‌شود که لفظ برای طبیعی آن معنی وضع شده نه خود فرد؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود «زیدٌ انسانٌ» حمل در اینجا حمل شایع است که بین طبیعی انسان و فرد انسان اتحاد خارجی وجود دارد، وقتی این حمل صحیح باشد و بین این فرد و ماهیت و طبیعت اتحاد باشد ما کشف می‌کنیم که

لفظ انسان برای طبیعی انسان وضع شده نه برای فرد و مصداق آن. پس صحت حمل اولی ذاتی و صحت حمل شایع صناعی دال بر حقیقی بودن معنی نسبت به آن لفظ است.

محقق عراقی (ره) فقط یک مورد را استثناء می‌کند و آن هم حمل حد بر محدود است و می‌گوید در جاهایی که حدی بر محدود حمل می‌شود صحت حمل در این موارد کاشف از حقیقت لغویه نیست و به «الانسان حیوان ناطق» مثال می‌زند که «الانسان» محدود است و حد آن «حیوان ناطق» است، پس «الانسان» موضوع است و «حیوان ناطق» محمول است یعنی محمول حد انسان است و مراد از حد همان تعریف به ذاتیات است که گاهی حد تام است و گاهی حد ناقص است. در این مثال، «حیوان ناطق» حد تام «انسان» است و ما حد را بر محدود حمل می‌کنیم و این حمل صحیح می‌باشد اما اینجا صحت حمل کاشف از حقیقی بودن نیست چون مفهوم حیوان ناطق یک مفهوم مرکب مفصل است و مفهوم انسان مفرد بسیط است و اینجا صحت حمل کاشف از حقیقت نیست یعنی حقیقت معنای انسان، حیوان ناطق نیست بلکه حیوان ناطق حد انسان است و تفصیل ذاتیات است نه اینکه حقیقت لغوی انسان باشد و بین این دو فرق است در حالی که ما به دنبال کشف حقیقت لغوی انسان هستیم نه کشف تفصیل ذاتیات و حد انسان. پس هر صحت حملی کاشف از حقیقت نیست لذا محقق عراقی (ره) حمل حد بر محدود را استثناء می‌کند ولی در غیر این موارد می‌فرماید: صحت حمل دلیل بر حقیقت است.<sup>۱</sup>

بررسی اماریت صحت حمل:

حال بعد از توضیح عنوان صحت حمل و عدم صحت سلب و وجه اماریت و علامیت این عنوان باید ببینیم آیا صحت حمل اماره حقیقی بودن معنی می‌باشد یا نه؟

در مورد اماریت صحت حمل اختلاف است، بعضی مثل محقق عراقی (ره) آن را اماره حقیقت می‌دانند در مقابل، بعضی صحت حمل را اماره حقیقت نمی‌دانند، حتی بعضی صحت حمل را به تبادر بر می‌گردانند و می‌گویند اماره مستقلی نیست و اگر هم کشف از حقیقت لغوی می‌کند و کاشف از معنای حقیقی است به خاطر تبادر است لذا اصل اماره و علامت همان تبادر است و صحت حمل علامت مستقلی نیست یعنی چون مثلاً این معنی از این لفظ متبادر است می‌توان یک قضیه تشکیل داد و معنی را بر لفظ حمل کرد.

اشکالاتی بر اماریت صحت حمل مطرح شده از جمله اشکال دور که در مورد تبادر هم مطرح شد.

اشکال این است که صحت حمل متوقف بر علم به معنای حقیقی است، علم به معنای حقیقی هم متوقف بر صحت حمل است و این دور است؛ چون شما وقتی می‌خواهید قضیه حملیه تشکیل دهید تا معنای حقیقی را ندانید نمی‌توانید آن را محمول قرار دهید و بفهمید حمل صحیح است یا نه؟ پس دانستن صحت حمل مثل صحت حمل «تراب خالص» بر «صعید» متوقف بر این است که بدانیم معنای حقیقی لفظ «صعید»، «تراب خالص» است، پس صحت حمل متوقف بر علم به معنای حقیقی است، از طرفی هم وقتی گفته می‌شود صحت حمل علامت حقیقی بودن معناست به این معناست که علم به معنای

<sup>۱</sup>. بدایع الافکار، ج ۱، ص ۹۸.

حقیقی هم متوقف بر صحت حمل است پس صحت حمل متوقف بر علم به معنای حقیقی و علم به معنای حقیقی هم متوقف بر صحت حمل است و این دور است.

مرحوم آخوند از اشکال دور در بحث تبادل دو پاسخ دادند که هر دو پاسخ را در اینجا هم گفته‌اند:

پاسخ اول این که دور منقطع است چون بین این دو علم تغایر است، در یک طرف علم اجمالی ارتکازی و در طرف دیگر علم تفصیلی است یعنی صحت حمل متوقف بر علم اجمالی ارتکازی به معنای حقیقی است ولی آن علمی که متوقف بر صحت حمل است عبارت است از علم تفصیلی به معنای حقیقی، پس تغایر بین دو علم که یکی علم اجمالی ارتکازی و دیگری علم تفصیلی است موجب انقطاع دور می‌شود.

پاسخ دوم ایشان هم این است که صحت حمل عند المستعلم متوقف است بر علم اهل لسان به معنای حقیقی که از راه تغایر دو شخص، اشکال بر طرف می‌شود، یعنی آن چیزی که صحت حمل متوقف بر آن است علم اهل اللسان است یعنی صحت حمل متوقف بر علم اهل اللسان و اهل اللغة به معنای حقیقی می‌باشد اما آن علمی که متوقف بر صحت حمل است علم مستعلم به معنای حقیقی است، بنابراین از راه تغایر شخص عالم این دور مرتفع می‌شود.

در مورد پاسخ اول یک مانعی وجود دارد که پذیرش آن را با مشکل مواجه می‌کند و به عبارت دیگر تفکیک بین علم اجمالی و علم تفصیلی اگر چه از دید بعضی مشکل را در مسئله تبادل حل می‌کند اما اینجا مشکل را حل نمی‌کند، ما سابقاً در مسئله تبادل گفتیم این پاسخ صحیح نیست و آن را رد کردیم لذا نتیجه گرفتیم تبادل علامت حقیقی بودن معنی نیست، پس بر فرض بپذیریم مشکل تبادل با تفکیک بین علم اجمالی و تفصیلی حل می‌شود اما در اینجا (صحت حمل) مشکل را حل نمی‌کند و مشکلی اساسی ایجاد می‌کند که انشاء الله در جلسه آینده آن را ذکر خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»